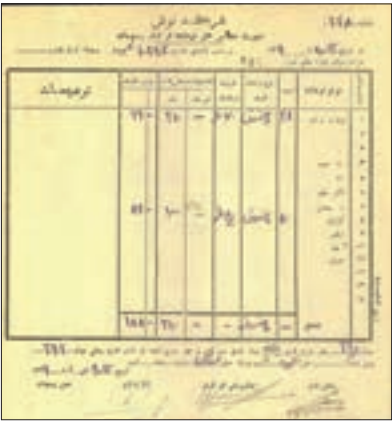




فاکتورهای فروش شرکت نوش که محصولات آن را معلوم می کند



نامه کفیل وزارت دارایی به وزارت کشور درباره رد ادعای ساخت مشروب در کارخانه مشهد و انتقال دستگاه های ساخت مشروبات به قوچان و تولید الکل صنعتی در مشهد

- نخستین ممنوعیت؛ سال۴۰پیش

شاید باورتان نشود که نخستین ممنوعیت مشروبات الکلی در ایران به چهارصد سال قبل بازمی گردد. در دوران صفویه، مصرف و معامله مشروبات الکلی در ایران با ممنوعیت و مجازات همراه شد. ریختن سرب گداخته در حلی شراب‌خوار، یکی از تنبیهات مأموران حکومت صفوی بود که در صفحات تاریخ ثبت شده است، بنابراین ماجرای مصرف مشروبات الکلی در کشور ما سر درازی دارد که رشته بلند آن را باید در تاریخ جست.

اما اگر بخواهیم سرنخ ماجرا را در ۱۰۰ سال اخیر پی بگیریم، باید به اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی برویم، جایی که هیئت‌وزیران تصویب می کند: «ورود کلیه مشروبات الکلی خارجی به ایران، ممنوع شود، و دستوری نیز برای تعطیلی همه مشروب‌فروشی‌ها صادر می شود.

در همین مصوبه قرار می‌شود در میهمانی‌های رسمی دولتی، دوغ و شربت قند به‌جای شراب سرو شود. طبق این قانون، خریدوفروش الکل فقط برای مصارف دارویی و در داروخانه‌ها امکان پذیر بوده است، البته آن روزها دلیل این امر را به حضور قزاق‌ها می‌زنند و اعلام می‌کنند: «ممکن است قزاق‌ها با زیاده‌روی در مصرف مشروبات، مزاحمت‌هایی برای مردم ایجاد کنند.

البته این قانون که با اعتراض اقلیت‌های مذهبی و سفارت‌های خارجی روبه‌رو شده است، با تغییر حکومت در آغاز قرن ۱۴ تغییر می‌یابدوزمینتولیدومصرف مشروبات الکلی نیز در ایران فراهم می‌شود، آن چنان که در چند نقطه کشور، مجتمع‌های تولیدی الکل وشراب پایه‌گذاری می‌شود. مشهدیکی از این شهرهاست که در آن، کارخانه‌ای برای تولید مشروب راه‌اندازی می‌شود.

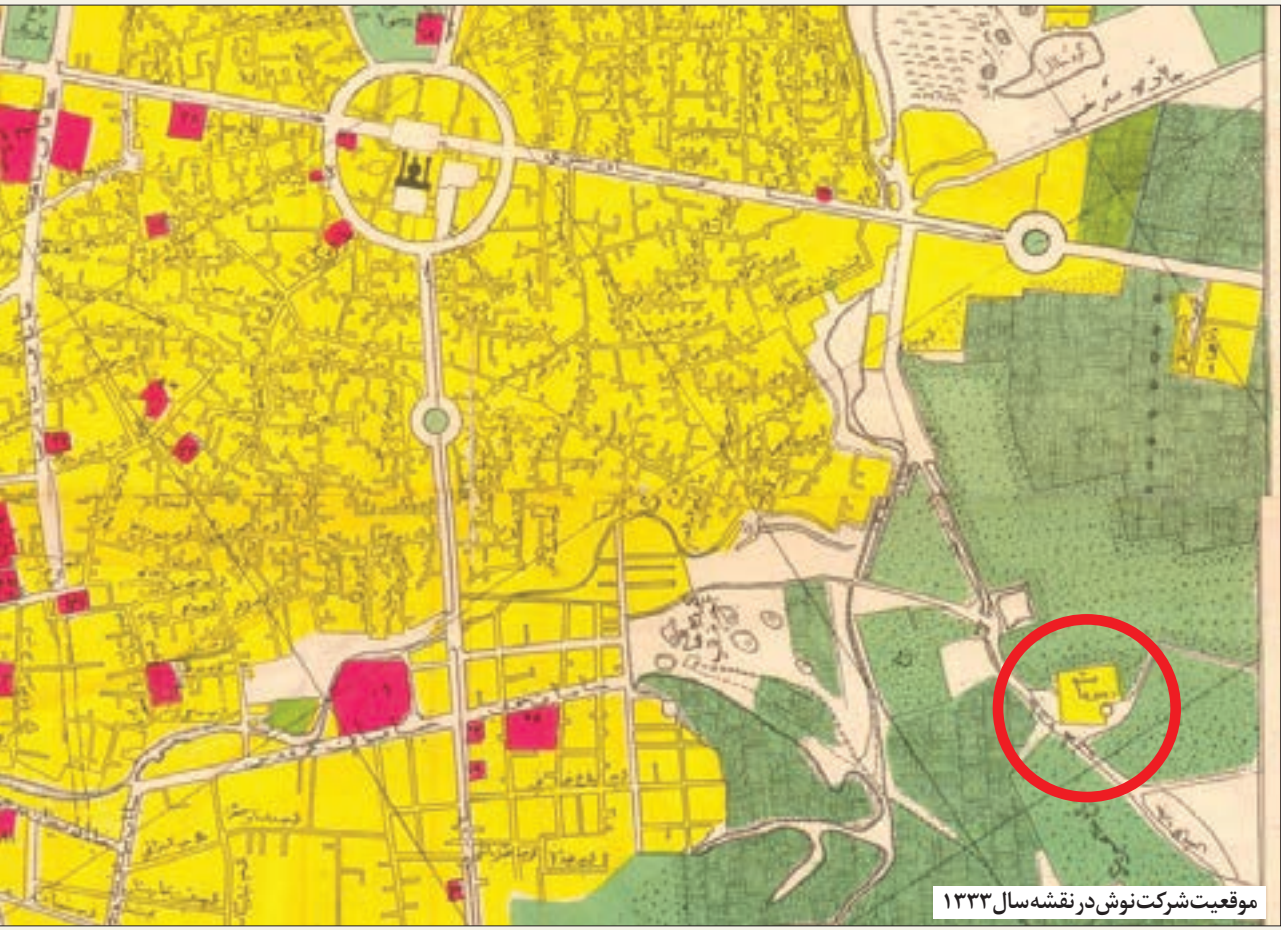
- ساخت کارخانه نوش مشهد

قصه اختصاصی شهر مشهد و مشروبات الکلی از اینجا پامی‌گیرد که کارخانه‌ای در چندکیلومتری شهر ساخته می‌شود و سه‌راه نوش(چهار راه صدردر محدوده ۱۷ شهریورفعلی) میزبان تأسیسات آن می‌شود. نوش، نخستین شرکت‌سهامی نوشیدنی مشهد بود که زیرنظر وزارت مالیه در سال ۱۳۱۴ تأسیس و شرکت‌سهامی

۷۵ سال از نخستین‌باری که قانون منع مصرف مشروبات الکلی در شهرستان اجرا شد و سپس به سراسر کشور تسری پیدا کرد، می‌گذرد

وقتی زهر «نوش» از مشهد بیرون رفت

سیده‌نعمیه زینی| حضور حرم مطهر رضوی در مشهد و قداست نشئت گرفته از آن همیشه در طول تاریخ سبب رخدادهای بسیاری بوده که گاهی حتی به وضع، تغییر یا لغو قانونی می‌انجامیده است. مانند وضع قانون منع مصرف مشروبات الکلی که بر خلاف تصور خیلی‌ها جدید نیست و قدمتی نزدیک به یک قرن دارد. این روایت را برید به ۱۳ تیر ۱۳۲۷ خورشیدی؛ وقتی برای نخستین بار در مشهد و دو شهر مذهبی دیگر، تهیه و خرید و فروش مشروبات الکلی ممنوع شد. این اتفاق که در دست ۷۵ سال پیش افتاد، سه شهر مذهبی ایران را از دایره تولیدکنندگان و فروشندگان مسکرات خارج می‌کرد. در این روز دولت هژیر تصمیم می‌گیرد به خاطر اعتراض گسترده مردم به تولید مشروب و فروش آن در شهر امام رضا^ع! این قانون را اجرایی کند. ناگفته نماند که شرکت نوش در آن زمان یکی از تولیدکنندگان اصلی و بزرگ مشروبات الکلی در ایران بود که در سه‌راه نوش قرار داشت. این تصمیم منجر به تعطیلی و انتقال آن از این شهر شد. روایت این رخداد را همزمان با تصویب این قانون می‌خوانیم.



مشروب‌سازی نوش خراسان با سرمایه‌اولیه ۶۰۰هزارریال به‌صورت ۵۰درصد دولتی و ۵۰درصد بخش خصوصی تشکیل شد. درواقع وجودباغ‌های فراوان انگور در اطراف ملاس فراوان که مواد اولیه تولید بودند، این شهر را به جایی تبدیل می‌کند که تولید مشروب در آن، راحت و به‌صرفه بوده است.

در ادامه، «آرسن» در سال ۱۳۱۹خورشیدی، مدیرعامل شرکت نوش می‌شود و اینجاست که با کمک علیزاده، رئیس دارایی‌وقت مشهد، تصمیم می‌گیرند یک فروشگاه برای عرضه انواع نوشابه‌شرکت نوش در املاک اختصاصی فرمان افتتاح کنند.

سال ۱۳۲۰ شرکت در یک آگهی تبلیغاتی در روزنامه اعلام می‌کند برای فروش محصولاتش در بخش‌ها و شهرستان‌های مختلف، نماینده می‌پذیرد. انگار مدیران شرکت به توسعه صنعتشان در مشهد هم فکر می‌کردند. پای‌خاطرات شفاهی قدیمی‌ها که بنشینیم، می‌گویند: «فروشگاه‌های فروش مشروبات در آن سال‌ها در مشهد دایر بود و بیشتر صاحبان آن، ارمنی‌ها بودند».

سال ۱۳۲۰ این کارخانه به شرکت نوشابه‌سازی ایران یا آرات‌ات سابق فروخته‌و به کارخانه‌ای مجهز تبدیل می‌شود. در این زمان، تولیدوفروش محصولات نوش، روی‌روال بودو شایدهمین سوددهی وشرایط‌خوب‌بوده که شرکت‌آرات‌ات را مشتاق خرید شرکت نوش می‌کند. براساس فاکتورهای فروشی که ازاین کارخانه‌درمیان اسناد کتابخانه‌ایم ایران باقی مانده است، این شرکت در سال ۱۳۱۹خورشیدی نوشابه‌ساده‌ومیوه‌ای، الکل سفید، الکل صنعتی، کنیاک، لیکور، آب‌جو و شراب تولید می‌کرده است. درواقع طبق

حساب‌وکتاب اهل بازار، اوضاع برای تولید مشروب در مشهد بر وفق مراد بود، جز یک نمونه که ما می‌خواهیم به‌سراغ آن برویم.

- نوش از مشهد به قوچان رفت

جایگاه‌مذهبی‌ارض‌اقدس‌شایدتنهاچیزی‌بود که‌مسئولان شرکت، فکر آن‌را نکرده‌بودند. این‌موضوع که‌در محاسبات جایی نداشت، باعث می‌شود صدای اعتراض مردم بلند شود. برای مردم‌باایمان‌باورپذیر نبود که‌در‌شهر امام‌رضا^ع! کارخانه‌ای مشروب‌بسازد و به‌دست مردم‌بدهد. شهرهای قم و شهری نیز در این اعتراض‌ها کنار مشهد ایستاده بودند. مخالفت‌ها سرانجام به‌نتیجه‌می‌رسد و در دوازدهم

تیرماه سال ۱۳۲۷ دولت هژیر در جلسه هیئت‌وزیران تصمیم می‌گیرد تولید و خریدوفروش مشروبات الکلی را در شهرهای مذهبی مشهد، قم‌وشهری، ممنوع‌اعلام کند. با این تصمیم، تعدادی از کارگرهای نوش از کار بی‌کار می‌شوند و این موضوع، پای روزنامه‌های آن زمان را به ماجرا باز می‌کند. کشمش میان کارگران و کارخانه ادامه می‌یابد تا اینکه تصمیم گرفته می‌شود دستمزد کارگرها تا ۱۹مرداد سال ۲۷ به آن‌ها پرداخت شود. دیگر راهی جز تعطیلی نمانده است.

البته مسئولان کارخانه که عزمشان را جزم کرده‌اند از این بحران سر سلامت به‌در ببرند، تصمیم می‌گیرند همه دستگاه‌های تولید نوشابه‌های الکلی را از مشهد به شرکت شاد در قوچان منتقل کنند. در این زمان، این کارخانه با تولید الکل طبی و صنعتی در مشهد همچنان به کار خودش ادامه می‌دهد و بخش تهیه مشروبات به قوچان منتقل می‌شود. اما این، پایان دردسرهای کارخانه نیست و این مکان در سال‌های بعد هم ثقل مکاتبات ادارات مختلف را روزنامه‌ها می‌ماند.

- الکل طبی یا مشروب؟

دعوا بر سر اینکه آیا واقعا تولید مشروب در این شرکت متوقف شده‌است یاخیر، ادامه‌دار می‌شود. بعضی کارگران کارخانه مدعی تولید نوشابه الکلی در آن می‌شوند و متخصص فنی کارخانه مدعی است که با دستگاه‌های موجود هم می‌توان مشروب تولید کرد. در مرداد ۱۳۳۰ نامه‌ای به رئیس کارخانه‌نوشته، دوباره این کارخانه را با بحران روبه‌رو می‌کند. در نامه استانداری به وزارت کشور، گفته شده است: «اهالی مشهد ظنین شده‌اند بر اینکه در کارخانه الکل‌سازی، مشروبات الکلی تهیه می‌شود و تقاضا دارند کارخانه به محل دیگر برده شود».

در نامه وزیر دارایی به صاحب کارخانه، از او درخواست می‌کنند که ترتیبی بدهد مردم اطمینان کامل حاصل کنند که در این محل، مشروبات الکلی تهیه نمی‌شود و الکل‌ها به مصرف طبی و صنعتی می‌رسد و درنهایت به او می‌گویند: «والا ناچارا کارخانه را باید از مشهد به محل دیگری حمل نمایند!». کفیل وزارت دارایی که ظاهرامدام در کارخانه مشغول نظارت بوده است، نیز اعلام می‌کند: «کلیه دستگاه‌های تهیه نوشابه‌های الکلی از شهرستان مشهد به قوچان منتقل گردیده و تهیه نوشابه بدون آلات و دستگاه‌های تصفیه، غیرمقدور است. این ادعا عاری از حقیقت است.» و در نامه دیگری هم که وزیر دارایی به صاحب کارخانه الکل‌سازی مشهد می‌نویسد، از او می‌خواهد که مراقبت کند تا مردم مطمئن شوند در این کارخانه مشروبات ساخته نمی‌شود.

- مشروبه، قاچاقی می‌شود

البته ماجرای دیگری هم پیش از ممنوعیت کلی مشروبات در ایران در لایه‌های زیرین جامعه‌مشهدی‌رخ می‌دهد و آن‌هم بازاریسابه برای خریدوفروش محصولات



نامه ای که اعلام می‌کند اهالی مشهد به تولید مشروبات در کارخانه نوش ظنین شده اند.



نامه اعتراض مردم به وجود کارخانه مشروبات الکلی و درخواست انتقال کارخانه نوش به مکان دیگر

کارخانه در این شهر است. مصوبه سال ۲۷تاییح دیگری هم برای شهر داشت؛ با اجرای این قانون، قاچاقی قیمت مشروب در مشهد به‌شدت افزایش می‌یابد و در دورانی که مأموران مدعی بوده‌اند یک قطره عرق در شهر وجود ندارد، خبرنگار خراسان از پخش ۳ تا ۴هزار بطری مشروب در مشهد خبر می‌دهد.

پس از سال۲۷، وزارت دارایی از صدور مجوز نوشابه‌فروشی برای مغازه‌ها و اماکن عمومی خودداری کرده، پروانه حمل نوشابه به شهرستان مشهد ممنوع می‌شود.

در پایان گزارشی که وزارت دارایی برای وزارت کشور برای توضیح این وضعیت نوشته، آمده است: «وزارت دارایی تاکنون نتوانسته است تهیه و فروش نوشابه قاچاقی را به‌طورقطع‌ریشه‌کن‌نماید و اگر از حمل نوشابه باند رله به شاندیز و طبقه جلوگیری شود، معتادین و مصرف‌کنندگان از راه دیگری آن را به‌دست می‌آورند و سود آن، عاید افراد سودطلب می‌شود».

البته این روند خیلی ادامه پیدا نکرد و محدودیت قانونی باعث شد تولید و فروش مشروبات غیرالکلی در شهر ما رونق بگیرد و مشهد به قطب لیوموناسازی و نوشابه در سال‌های بعد تبدیل شود.

- قانونی که ۴۰سال بعد از مشهد، کشوری شد

قانون دیگری در سال ۱۳۳۱ در مجلس تصویب شد که مکمل تصمیم قبل بود. برپایه این قانون، دولت مکلف شد جلوی تهیه و خریدوفروش و مصرف تمام نوشابه‌های الکلی را در همه کشور بگیرد.

پس از این قانون، کارخانه‌شادوقوچان هم تعطیل می‌شود و آرشاک ملیک سرکسییان، مدیر شرکت ایران، نامه‌ای به وزیر دارایی می‌نویسد و شرایط را توضیح می‌دهد. در این نامه گفته‌شده‌است که برای جریان خسارت‌تعطیلی شرکت نوش در مشهد، امتیاز تهیه مشروبات الکلی و الکل طبی و صنعتی استان نهم و زابل و زاهدان با عقد یک قرارداد رسمی پانزده‌ساله به او واگذار شده است. البته باتصویب این قانون، وامجبور شد همه کارخانجات مشروب‌سازی‌اش را تعطیل و به تولید الکل طبی و صنعتی اکتفا کند.

درگذشت و طبق گزارش مرحوم استاد عزیزا... عطاردی در کتاب ارجمند «فرهنگ خراسان»، مرقد وی در حیدرآباد هندوستان، مشمول احترام و زیارت مردم است، بنابراین نه به لحاظ تاریخ وفات می توان مقبره موجود در گنبدسبز را به نام شیخ محمدمؤمن استرآبادی منسوب کرد نه از منظر شخصیت‌شناسی.

- گزینه سوم: شیخ محمدمؤمن تنکابنی

مهدی قربانی، نویسنده کتاب، گنبدسبزمشهد، که‌ظاهرآن‌را برای راهنمایی گردشگران این‌بنای تاریخی نوشته‌است، معتقد‌است که برخی، مزار گنبدسبز را به محمدمؤمن تنکابنی منسوب کرده‌اند که براساس گفته آقای قربانی، «طیب شاه اسماعیل و صاحب کتاب تحفه حکیم» است، هرچند که مؤلف، «گنبدسبز مشهد»، در پاورقی صفحه‌ای که این ادعا را در آن مطرح کرده است -صفحه۸- می‌نویسد: «کتاب تحفه حکیم مؤمن به قلم محمدمؤمن حسینی، طبیب شاه‌سلیمان صفوی [۱] با مقدمه استاد معظم میرسیداحمد روضاتی درباره طب سنتی است.. بر این ادعا، البته سه نقد مهم می‌توان وارد کرد؛ اول آنکه مشخص نیست در کدام منبع و توسط چه کسی، موضوع انتساب مرقد گنبدسبز به حکیم مؤمن که از اطباء نامدار دوره صفوی است، وارد شده است؟ دوم اینکه در مقدمه همان کتاب مورد‌اشاره مؤلف، گنبدسبز مشهد، می‌خوانیم: «حق مطلب این است که سال وفات و محل دفن این مرد بزرگ و این طبیب عالی‌قدر هنوز به‌دست نیامده؛ زیرا هیچ‌یک از مورخین ضبط نکرده‌اند» و اگر شک و احتمالی، هرچند به‌اشتباه، درباره انتساب مزار گنبدسبز به حکیم مؤمن وجود‌داشت، مرحوم‌روضاتی در مقدمه مبسوط و عالمانه خود، بدان اشاره می‌کرد. سوم اینکه اگر ساخت بنا را مربوط به سال ۱۰۹۱قمری بدانیم، به احتمال زیاد در این تاریخ، حکیم مؤمن، زنده و مشغول خدمت در دربار شاه‌سلیمان صفوی بوده است. ازطرفی چنان‌که مرحوم روضاتی هم در مقدمه‌اش اشاره می‌کند، عموم قبرهای منتسب به حکیم مؤمن، در اصفهان قرار دارد؛ هرچند آن انتساب‌ها نیز، تردیدهای جدی کرده‌اند. بنابراین موضوع انتساب مرقد گنبدسبز به حکیم محمدمؤمن تنکابنی هم، فعلا منفی است.

ادامه دارد.

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت(قسمت هشتادودوم)

نگاهی دوباره به «گنبدسبز» و اسرار نهفته در آن (بخش دوم)

کوتاه، اشتباه و ناپذیرفتنی است؛ اولاً: اگر درگذشت استرآبادی را، چنان‌که دکتر شریعتی می‌گوید، سال ۹۰۴قمری بدانیم، او بی‌تردید نمی‌تواند استاد افرادی همچون مجلسی‌اول(متولد سال ۱۰۰۳قمری) و فیض کاشانی(متولد ۱۰۰۷قمری) باشد؛ زیرا این بزرگان، حدود یک قرن بعد از استرآبادی به دنیا آمده‌اند! ثانیاً: عجیب‌است که دکتر شریعتی، حتی زمانی‌که برای تصحیح ادعای مربوط به مرقد قرار گرفته در بقعه گنبدسبز تلاش می‌کند، هم دچار اشتباه تاریخی می‌شود و سال ۱۰۹۱قمری را دوران شاه‌عباس دوم صفوی می‌داند، درحالی‌که این تاریخ، مصادف با عهد

فرمانروایی شاه‌سلیمان صفوی است و شاه‌عباس

دوم، در سال ۱۰۷۷قمری، حدود ۱۴سال قبل از

تاریخ ساخته شدن بنا، در فانی راوداغ گفته

است. ثالثاً: مشخص نیست که استرآبادی

مدنظر مرحوم دکتر شریعتی، دقیقاً چه

کسی است. شاید بد نباشد بدانید که

ما در عصر صفوی، با دو شیخ محمد

استرآبادی روبه‌رو هستیم. یکی از

آن‌ها شیخ محمدبن علی

استرآبادی، نویسنده

«منهج‌المقال» و

